

## پادکست حضرت نوح | قسمت چهارم

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلِّي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُنَبِّئُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا.»

نوح بنده خدا برگشت به خدا گفت «وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبَعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ.»

ملاء چه کسانیند؟ ملاء چهره های رسانه ای سرشناس، دور و بری ها، کسانی که اینفلوئنسر اند، کانال دارند، حرف آن طاغوتها را بلدند ترجمه کنند. ترجمه مردمی.

این فرعون بر می گردد میگوید « قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ: إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلَيْنَا.»

هی عکس می گرفتند می گذاشتند در کانال هایشان. آقا ببینید آقای نوح دارد چیکار میکند این پیغمبرتان هست ها.

«سلام علیکم نوح فی العالمین»

علت بی اقبالی دعوت نوح علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض میکنم خدمت همه عزیزان محفلی پادکستی نوح آخرالزمانی. حالتان خوب است؟

یادتان هست جلسه گذشته راجع به چی صحبت کردیم؟ راجع به یک مقدمه ای داشتیم میگفتیم میخواستیم این سوال را پاسخ بدیم دعوت انبیا، دعوت نوح چه جوری بوده است که مردم قبول نمی کردند؟

خب اگه یک چیزی را انبیا بیاروند، نوح بیارود، مردم قبول نکنند، معلوم است که بالاخره یه مشکلی هست. در خود آن دعوت هم یک گیری هست لابد. باید یک خورده بررسی کنیم یک خورده از سرش ساده نگذیریم این سوال را یک خورده صبر کنیم. یک خورده با یک مقدمه ای داشتیم می گفتیم که آقا مردم مخالفت نمی کنند در درجه اول. بله به کسانی مخالفت می کنند، خود آن طاغوتها مخالفت می کنند بدون حد و مرز، بدون اینکه خط قرمز داشته باشند. آنها می دانید که هیچ خط قرمز ندارند. مسخره بازی، تهمت، دروغ، افترا، هر کاری لازم باشد انجام می دهند برای مقاصد خودشان.

ما خط قرمز داریم. او می گوید شاعر است، ساحر است، مجنون دیوانه است، جن زده است، «إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ». آقا اینها دیگر تصمیم گرفتند ما را ببندازند بیرون خودشان بیابند سر جای ما قرار بگیرند. یک موقع هایی میگویند «إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرْنَاكَ بِبَعْضِ آيَاتِنَا بِسُوءٍ» آقا یک چیزی زدی ظاهرا ساقی خوب نبوده ها. بالاخره انگار مشکلات روانی پیدا کردی. نمی خواهی بریم دکتر؟ یک خورده قرص روان پزشکی نمی خواهی بخوری؟ نمی خواهی بستری شی؟

ببینید انقدر مسخره بازی در میاورند که در حقیقت هیچ خط قرمزی رو باقی نمی گذارند. اونا در دعوتشان و در مقابله شان با انبیا، طاغوت زمان از این روش ها استفاده می کند و گاهی اوقات هم اصلا دیگه حوصله ندارند. ببینید به نوح گفتند که «قَالُوا يُنُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْزَرْتَ جِدْلَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» نوح چقدر حرف میزنی تو؟ خب بالاخره تو هی داری وعده میدی عذاب، عذاب را بیاور دیگر پدر ما را در آوردی. یعنی آدم های بی حوصله ای که حوصله بحث هم ندارند.

این طرف ما محدودیت داریم. این طرف اینجوری هست که «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» تو می خواهی دعوت کنی به راه خدا بر اساس حکمت موعظه حسنه، جدال احسن. اینجوری می توانی دعوت کنی. تو از هر مدلی نمی توانی استفاده کنی. ما همچین محدودیت هایی داریم. چرا؟

گفتم قرار است بصیرت افزایی کنیم. ما قرار است چشم ها را باز کنیم نه اینکه چشم ها را ببندیم. گاهی اوقات اینها به همین دلیل چنان لجبازی میکنند و لجوج میشوند که میگویند اصلا تو حرفت درست است؟ باشد درست است. اصلا تو بردی حرف نزن. من دستمو میگذارم در گوشم. دیدین بعضیا میگویند آقا حرف نزن اصلا گوش نمی کنم. اصلا تو حرف نزن من حرفت را گوش نمی کنم. برای همین است که نوح بنده خدا برگشت به خدا گفت «وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبَعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ». خدایا من هر چی اینها را صدا زدم که تو ببخشیشون اینا دیگه انگشت گذاشت تو گوشش. «وَأَسْتَعْشِرُ قُرْبَانَهُمْ» پیراهنش را کشید سرش «وَأَصْرُوا» اصرار کردند «وَأَسْتَكْبِرُوا أَسْتَكْبِرُوا» استکبار کرد.

ببینید یک موقع طرف از سر غیر استکبار قبول نمیکند آقا طرف بررسی کرده نفهمیده است. مطلب را متوجه نشده است. اشکال ندارد. خدا به دشمنان اسلام، خدا به پیغمبر میگوید پیغمبر «إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» آقا یکی از این مشرکین استجاره کرد گفت آقا من منو پناه بدهید من پناهندگی میخوام ببینم حرفتان چیست؟ «فَأَجِرْهُ» پناهندگی بده «حتی یسمع کلام الله» کلام خدا رو بشنود. بعدش هم قبول نکرد، نکرد. «ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ». اینجوری نیست که بگویی تو بیخود کردی اصلا آمدی، ویزا گرفتی از ما بیای قبول نکنی؟ نه. غلط کردی باید قبول کنی. نه! «ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» او را تا مأمن و پناهگاه خودش به کشور خودش باید بفرستید حال آنکه که قبول نکنه.

ولی «وَأَصْرُوا وَأَسْتَكْبَرُوا أَسْتَكْبَارًا» این همان شیطنت است. این همان شیطنتی است که قرآن راجع به شیطان میگوید «أَبَىٰ وَأَسْتَكْبَرَ» ابا کرد، ابای استکباری. یعنی گفتش که میفهمم قبول نمیکنم و دشمنی هم میکنم.

برای همین نوح بنده خدا گفتش که خدا «إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا» خدایا شب و روز دارم اینها را میخوانم «فَلَمَّ يَرِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» دیگر این خواندن من فقط دارد بر فرار اینها اضافه میکند بس که اینها بدند. بس که لجباز هستند.

یک مثالی آگه بزمن نمیدونم مشمئز میشد یا نه. اگر یک نجاستی ایجاد شده باشد. نجاست رو با آب میشه شست. ولی اگر خود عین نجس شده باشد. آب بریزید رویش. بویش بیشتر در میاید. یعنی دیگر خیلی کریه میشود. همه چی به هم میریزد. آب برای نجاست خوب نیست دیگر برای عین نجس خوب نیست. میبینید بیشتر گندش را بالا میاورد. اینها هم همین شدند. «فَلَمَّ يَرِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا»

#### ملاء و مترف دو دستار طاغت

خوب خب این طاغوت یک سری آدم دارد. به شما گفتم که اسمشان را میگویم. اسمش ملاء و مترف است. ملاء که هستند؟

ملک چهره های رسانه ای سرشناس، دور و بریها، کسانی که اینفلوئنسرند، کانال دارند، حرف اون طاغوت ها را بلدن ترجمه کنند. ترجمه مردمی. ترجمه مردم پسند. ترجمه ای که قابل شنیدن است. حرفی را که میبینید قیافه اش حرف حسابی در میاید. بلدند اجرایش کنند این حرفا را.

یک سری هم داریم مترف (اینها) که هستند؟ مترف آدمهایی هستند که پولدارهای کارتل های اقتصادی خوشگذرانی که اینا با هم ارتباط دارند. یعنی با هم از یک آخور میخورند. سرشان در یک آخور است. با همدیگر ساخت و پاخت هایی هم دارن. اینها با همدیگر یک مجموعه اند. بیچاره مردم که خودشان را داده اند دست اینها.

دعوت اولیه. خیلی وقتا پیامبر میانند همه اینا را بزبند. درگیری اصلی با اینهاست. اگر اینها بروند کنار آب شفاف و زلال راه میافتد.

مردم خواستند بخورند بخورند. نخواستند بخورند نخورند. ولی درگیری اصلی با اینهاست که شما چرا آب و گل آلود میکنی؟ شما چرا داری خباثت میکنی؟ لذا درگیری اصلی، کار اصلی، برنامه ریزی اصلی توسط ملاء و مترف انجام میشود.

خدا وقتی که میخواهد موسی را بفرسته در سوره مبارکه غافر آیه ۲۳-۴۰ آنجا می گوید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ \* إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَمٰنَ وَفِرْعَوْنَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذٰبٌ»

خب ما موسی را فرستادیم با آیات و دلایل روشن و برهان های آشکار به سمت کی؟ فقط فرعون نه، «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَمٰنَ وَفِرْعَوْنَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذٰبٌ» به سمت فرعون، طاغوت، هامان، ملاء قارون، مترف آن کسی که اقتصاد قضیه را دارد تامین میکند.

«فَقَالُوا سِحْرٌ كَذٰبٌ» آنها گفتند که «سِحْرٌ كَذٰبٌ» این دروغگویی است. بعدش همین بحث ها را از دل مردم اینها درآوردند.

اومدن گفتن که یه آیه بعدش رو ببینید. «وَقَالَ فِرْعَوْنُ» فرعون گفت «دَرُوْنِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ». من را ولم کنید تا این موسی را بکشم. او هم پروردگارش را برای نجات خودش بخواند ببینم چیه. «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِيْنَكُمْ»

آی ملت من از ترس تبدیل دین شما دارم می ترسم. این موسی دین جدید آورده است، دارد شما را بهم میریزد، عقاید را بهم زده است. کتاب درسی را باید عوض کرد. اینجوری است. «أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» اینها در زمین فساد و تباهی به بار می آورند. میانند همه روابطی که تا حالا برقرار شده است و جامعه شکل گرفته است، اینها میزنند جامعه را میپکوندند.

ببینید این حرف توسط فرعون زده میشود. گاهی اوقات هست که فرعون دارد کد میدهد. آقا الان باید رو چه بحثی حساب بکنیم؟

شما ببینید در سوره مبارکه شعرا آیه ۳۴ به بعد رو نگاه کنید. «قَالَ لِمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ \* يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ»

فرعون بر می‌گردد و یک نگاه می‌کند به این ملاء. به این کسانی که چهره پر میکنند. ملا میدونید عزیزان (یعنی چه)؟ ملاء از ملء می‌آید یعنی پر کردن. هم دنیا چشمهای اینا رو پر کرده است و هم مردم به جوریند که چشاشون پر شده است با اینها. اینها خیلی گنده شدند ماشینای اینجوری سوار میشوند. آدمهای باشخصیت باکلاسی به نظر میانند. کانالهای مهم دارند، بیزینس های فوق العاده دارند، با بیزینسمن های مختلف میشینند.

این فرعون بر میگردد «قَالَ لِمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ» ملاء به نظر تان نماید که این ساحر است؟ یعنی آقا برنامه الان بحث سحر است. همین ملاء هستند که برمیدارند این بحث را اجرایش میکنند که «يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ»

خلاصه شما بفرمایید چیکار کنیم؟ اینکه میخواد شما رو از زمین بیرون کند و اینها با سحر و... نظر تان چیست؟ نظر مشورتی چیست؟ شما چی امر میکنید؟ اینها یک بده بستان های اینجوری دارند. حتی در رسانه هایشان این بده بستان ها رو میکنند.

بعدهش میبینی تبدیل میشود به همون جریان این که سحره رو دعوت کنند، اینها بیابند، مناظره برگزار کنند «وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ» بعدش بر میگردد به مردم میگویند. آنجا سناریو را میچینند «وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ» مردم را درگیر میکنند.

آقا دست کم نگیرید. این بحث ملاء و مترف بسیاری از بار مسائل به عهده اینهاست. اینها هستند که مردم را سر خط می‌کنند.

ببینید آیه سوره مبارکه سباء آیه ۳۴ را دقت کنید. «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» ما هیچ پیغمبر بیم دهنده ای را نفرستادیم مگر اینکه آن خوشگذران های اقتصادی مغرور سرمست میگن «إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» به آن چیزی که شما را به واسطه آنها فرستادند ما به آنها کافریم. اینها اینهارو میگن.

حرف دست ملاء و مترف است. می‌بینید در آیات دیگر همین هست. اگر بعضی ها این بحث را میکنند که آقا بالاخره این فرهنگ زمانه است، این آداب پدران اینها، قرآن ببینید چه جوری میگه. سوره مبارکه زخرف آیه ۲۲ و ۲۳ رو نگاه کنید.

«بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ \* وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ» اگر قرآن بگیرد دستتان نگاه کنید خیلی قشنگ میشود.

«بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ» میگوید مردم میگویند آقا ما آباء ما یک روشی داشتند، پدرانمان به روشی داشتند، ما هم روی همان روشها داریم می‌رویم و درست همان روش هاست و ما هدایت میشویم به وسیله همان روش ها. بعد قرآن می‌خواهد جمع بندی کند. می‌گوید «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ» این چنین است که قبل از تو هم ما پیامبران را ارسال می‌کردیم، نذیر می‌فرستادیم، بیم دهنده می‌فرستادیم، نمی‌فرستادیم مگر اینکه این خوشگذران، مغرور، سرمست، اینها می‌گفتند آقا ما روش باباهایمان را می‌رویم. همان چیزهایی که ما به عنوان میراث رسیده است. ما بر اساس میراث گذشتگان باید آنجوری بریم و «وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ» ما بر همان مسیر اقتدا می‌کنیم. ببینید اینجا میشود کاسه از آش داغتر. این می‌گوید ما آن مسیر اقتدا می‌کنیم، به آن مسیر می‌رویم، آن مردم بیچاره می‌گویند «وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ» اصلا هدایت در همان مسیر است. ما به همان جا هم به نتیجه میرسیم.

باز دوباره در آیات دارد اگر خدا بخواهد به همین تعبیری که عرض کردم یک خورده کربیه است سیفون رو بکشد میگوید «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» ما اگر بخواهیم یک قریه ای را هلاک بکنیم، آقا قریه هلاک کردن در درجه اول دست مردم نیست. آن نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» ما مترفین را، این خوش گذران ها، کارتل های اقتصادی که سرشان در یک آخور است با این ملاء و چهره ها و اینفلوئنسر ها و اینها که اینها هم با طاغوت ها، با همدیگر دستشان در یک کاسه است، با اینها می‌گوییم آقا فسق کنید، نصاب فسق رو ببرید بالا ف «حَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» اون موقع است که میزنیم دمارشون را در میاوریم، میزنیم داغونشان میکنیم.

اگه بخواهیم داغونشون کنیم به این مأمورین خودمان در مترفین می‌گوییم که این کارها را انجام بدهند نه اینکه امر میکنیم به آنها یعنی بخشنامه میکنیم. نه منظور این نیست. یعنی بالاخره به پیمانی داریم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم مترفین باید این کار رو بکنند. خب حالا من جوابم رو الان میگیرم.

آیا مردم نوح علیه السلام را به سخره گرفتند؟

آقا مگر نگفتیم؟ مگر من نگفتم در جلسات قبل مردم مسخره کردند؟ مگر نگفتیم که آقا اینها داشتند کشتی میساختن مردم مسخره کردند؟ مگر این حرفها را نزدیم؟ مگر مردم نگفتند که این پاپی های بی کلاس خلاصه در بیت چی هستند دورخودت جمع کردی؟ مگر مردم نگفتند؟ قرآن مگر این را نمیگوید؟

عزیزم خالی بستند. مردم نگفتند. ملاء گفتند قرآن میگوید. ملاء گفتند. ممکن است مردم هم گفته باشند ولی مردم همان حرف اینستاگرامی را پخش کردند. در درجه اول مردم نگفتند. برای همین از خودمان در نیاوریم. بعضی ها راحت مردم گفتن اینجوری مردم گفتن اونجوری نه مردم این حرفارو نزدن. ببینید آیه را در سوره مبارکه هود وقتی که خدا میخواهد بگوید این کشتی را بسازید که بعدا راجع به کشتی سازی حرف بزیم «وَأَصْنَعِ الْفُلَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الْآلِدِينَ ظَلَمُوا» گفتیم انقدر با مرام و با معرفت است نوح که خدا دیگر میگرد نوح اینقدر دهان به دهان با من نذار. «إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ» اینها غرق میشوند این سرنوشتشان است. خودشان خواستند این مسیر را اینقدر هی شفاعت نکن اینا را. خوب بعدش «وَيَصْنَعُ الْفُلَّكَ» و این کشتی را شروع میکند به ساختن.

خوب دقت کنید از خودمان حرف در نیاوریم.

«وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ» هر موقع این ملاء و چهره ها هی عکس میگردند میگذاشتند در کانال هایشان. آقا ببینید آقایی نوح دارد چکار میکند این پیغمبرتان است ها. ببینید چیکار داره میکنه. به کار مسخره. در بیابان دارد میسازد «مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ» اینجا بودند مسخره میکردند.

اینها ابزار مسخره بازی برایشان یکی از ابزارهای بسیار مهم است. استهزاء یکی از ابزارهای بسیار مهم است. آقا اصلا یکی از ویژگی های نبوت این است که «یا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.» ای حسرت بر عباد! ما پیغمبر نفرستادیم مگر مسخره میشود؟ آقا اگر کسی فکر میکند راه حق را برود و مسخره نشود اصلا، اشتباه میکند. چونکه همین طاغوتها و ملاء و مترف کانال هایشان را فعال میکنند، رسانه هایشان فعال میکند تورا مسخره کنند.

اگر فکر کردی با مسخره بازی اینها پا پس بکشی. اصلا نیا. اصلا قاعده اش این است. قاعده اش هم این است که شما مسخره بشوی. پیغمبرها مسخره می شدند همشون. در درجه اول توسط مردم؟ خیر. توسط ملاء «مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ» قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّي فَإِنِّي تَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» نوح هم جواب هیمنها را می داده است. اگر شما داری مسخره می کنی ما هم شما را مسخره می کنیم. شما مسخره کن. من هم کم نمایورم. نه اینکه مسخره می کردند. بالاخره یک موقعی استهزاء ما را خواهید دید. استهزاء ما اون موقعی است که می نشینیم در کشتی. کشتی دارد میرود. حالا ببینم چی کار می کنی. ببینم چی کار می کنی. خوب این اینجا هم جای همان است.

یا آنجایی که اینها میگن یک سری پاپی درپیت دنبال خودت جمع کردی، به تعبیر همین سوره مبارکه هود آیه ۲۷ دقت کنید میگوید «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ» ملاء می گویند ملاء کفار. اینهایی که کافرند چهره هایشان شاخص هایشان (نشان دهنده کفرشان است). اینها میگویند «مَا نَرُوكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا» که ما تو را یک بشر عین خودمان می دانیم و «وَمَا نَرُوكَ أَنْتَبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِي آلرَّاي» و ما تو رو نمی بینیم تبع تو رو نمی بینیم، الا یکسری از این آدم های درپیت ما، اراذل ما «بادی الرأی» که جوان هم هستند جوانهای نپخته کله داغ بی کله. خلاصه اینها هستند دور و بر تو آدم با شخصیت اینها نیستند «وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَذِبِينَ» ما هیچ فضلی هم نمی بینیم. اصلا تو دروغ میگی. اصلا تو آدم دروغگویی هستی. اینها را ملاء میگویند.

البته ان شاء الله خواهیم گفت خدمتتان. بله تا حدی هم این هست دعوت پیغمبرها را جوانها پاسخ می دهند. آدم وقتی یک مقداری پیر می شود، یک مقداری سنگین می شود. سخت می شه.

جوان قدر خودت را بدان. پیغمبر خدا می فرماید من وقتی که مبعوث شدم، «حالفنا الشباب» جوانها با من پیمان می بستند «و خالفنا الشيوخ» پیرمردها با من مبارزه می کردند.

دین مدلس جوانانه است عزیز. اگر یک جوری من تبلیغ دین کردم که به مذاق پیرمردها بیشتر خوش آمد بدان که من تبلیغ دین را اشتباه کردم. تبلیغ دین پر از جهاده. جهاد فی سبیل الله. جهاد با کفار. جهاد با اسرائیل است. این دعوت ها جوان حال میکند باهاش.

جوان با همان فطرت پاکش جوون میپسندد این دعوت ها را.

کشتی نوح را رها نکنی آخرالزمان.

«حافظ از دست مده صحبت این کشتی نوح/ ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت»

يا على. خدا حافظ.